

بنای ساسانی «روئه» بر کرانه‌های سیمره

لیلی نیاکان^۱

شناسه‌ی دیجیتال (DOI): 10.22084/nbsh.2019.15870.1721
تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۸/۱۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۲۴
(از ص ۱۲۹ تا ۱۴۸)

چکیده

ویژگی‌های طبیعی و زیست‌بومی رود سیمره بر روند شکل‌گیری و تطور استقرارهای انسانی در طول تاریخ تأثیری انکارناپذیر داشته است. در طول یک دهه‌ی گذشته‌ی پژوهش‌های باستان‌شناسی در حوضه‌ی آبگیر سیمره، یافته‌های بسیار و مدارک ارزشمند برای بررسی‌های تحلیلی در حوزه‌های گوناگون سفال، معماری و دست‌ساخته‌های متنوع فرهنگی به دست آمده است. در نتیجه‌ی یکی از بررسی‌های روشمند باستان‌شناختی در محدوده‌ای موسوم به «تنگه کافری» در حاشیه‌ی رود روئه، بخش‌هایی از عناصر ساختاری بنایی بر بستر صخره‌ای کوه‌مله‌روته بر تراسی از دوران سوم زمین‌شناسی و در شیب تند مشرف به رودخانه‌ی روئه آشکار شد. مجموعه‌ی شواهد موجود و ارزیابی‌های مبتنی بر بررسی اولیه مدارک سفالی، مستندنگاری آثار ساختمانی و مشاهده و درک بارزه‌های محیطی ضرورت شناخت را در روند طرح مسائلی چون تاریخ‌گذاری و اهمیت و نقش معماری شناخته شده در بستر و بافتار فرهنگی خاص آن و نسبت‌اش با اقلیم و جغرافیای منطقه که از اهداف این پژوهش بود؛ بنابراین برای این اساس در پی آنیم که گذشته از ارزیابی کارکرد و قدمت نویافته‌های ساختمانی به پرسش‌هایی چون: چرایی جایگاه این بنا در چشم‌انداز محوطه‌های هم‌دوره در حوزه‌ی فرهنگی سیمره؛ چگونگی ماهیت بنا از نظر کاربری معماری آن در ارتباط با سایر بناهای هم‌دوره در منطقه؟ چگونگی کیفیت بنا و ارتباط بالقوه‌ی آن با سایر محوطه‌های هم‌زمان در منطقه؟ بپردازیم که کاوشی هدفمند را در پی آورد. نتایج اولیه مؤید انطباق ساختارهای معمارانه بر طرحی نظام‌مند، نقشه‌ای دقیق و سبکی شناخته شده از دوره‌ی ساسانی و دلالت‌های برآمده از واریسی مدارک سفالی در تأیید این تاریخ‌گذاری است. از طرفی، موقعیت جغرافیایی و موضع راهبردی محدوده و ناحیه‌ی کندوکاوها، حاکی از رویارویی با یکی از مسیرهای مهم ارتباطی میان رودان و عیلام باستان و نقش حیاتی این تنگه در راهیابی از حاشیه‌ی رود سیمره به دره‌شهر و سپس به لرستان است. از همین‌رو استنباط انگیزه‌های ارتباطی، مبادلاتی و جابه‌جایی‌های اجتماعی برای برپایی این ساختارهای بین‌راهی دور از ذهن نیست؛ ضمن این‌که عواملی چون: پیچیدگی نقشه، تنوع فضا، کیفیت مصالح و گستره‌ی احتمالی ساخت‌وسازها وجود حاکم‌نشینی محلی در لوای حکومت ساسانی را ممکن و بایستگی‌های ناظر بر تداوم کاوش‌ها را بی‌تردید می‌سازد.

کلیدواژگان: ایلام، سیمره، روئه، تنگه کافری، ساسانی.

مقدمه

برآیندهای فرهنگی ناشی از تأثیر و تناسب موقعیت و اوضاع مساعد حوضه‌ی آبریز سیمره در بخش‌های گوناگون آن، غالباً در شکل استقرارهای کوچک و بزرگ انسانی طی هزاره‌های پیشین نمود و ظهور یافته است. تنگ کافری، بخشی از این حوضه‌ی آبریز و یکی از محدوده‌های مناسب برای پژوهش‌های باستان‌شناختی و شناسایی گونه‌ها، مراحل و بهره‌برداری‌های انسانی از یک موقعیت تغییر ناپذیر طبیعی به‌ویژه طی دوره‌های باستانی و تاریخی است. در سال ۱۳۹۵ ه.ش. بررسی‌های عمومی و نمونه‌برداری‌های موضعی در ناحیه‌ی مورد بحث توجه هیأت اعزامی را بر ارتباط یافته‌های سفالی و بقایای معماری متمرکز جلب کرد. با شروع کاوش‌های نجات بخشی آثار بنایی شناسایی شد که یادآور نقشه‌ی تالارهای ستون‌دار، استفاده از ایوان و رواق، توجه به تاق‌های قوسی‌شکل، تعبیه‌ی طاقچه‌ها و پایه‌ستون‌های سنگی در فضاها، سرپوشیده بود. چنین شواهدی در کنار پیوستگی‌های سازه‌ای و روابط آغاز بررسی‌های تاریخی منسجم و پژوهش‌های باستان‌شناختی تحلیلی را در منطقه‌ی فرهنگی سیمره باعث شده است.

پرسش‌های پژوهش: اصولاً شناسایی بقایای بنا با مجموعه سازه‌های مربوط به یک ساختار منسجم، روشمند و معنادار در محیطی بکر یا کمتر شناخته شده از لحاظ باستان‌شناسی، جدا از پرسش‌های ناظر بر چیستی و چگونگی ساختمان و چرایی گونه و کاربرد مصالح، به طرح مسائلی چون تاریخ‌گذاری و اهمیت و نقش معماری شناخته شده در بستر و بافتار فرهنگی خاص آن و نسبت‌اش با اقلیم و جغرافیای منطقه نیز می‌انجامد. بر این اساس در اینجا در پی آنیم که گذشته از ارزیابی کارکرد و قدمت نویافته‌های ساختمانی، مقایسه‌های مقذور میان آن و آثار مشابه در دوره‌ی فرهنگی‌اش به نسبت دست‌یافته‌ها با سکونت‌گاه و سنجش منابع تاریخی با داده‌های باستان‌شناسی بپردازیم. در این میان به پرسش‌هایی چون: ۱. تبیین جایگاه این بنا در چشم‌انداز محوطه‌های هم‌دوره در حوزه‌ی فرهنگی سیمره؛ ۲. ماهیت بنا از نظر کاربری معماری آن در ارتباط با سایر بناهای هم‌دوره در منطقه؛ ۳. کیفیت بنا و ارتباط بالقوه‌ی آن با سایر محوطه‌های هم‌زمان در منطقه.

روش پژوهش: از آنجا که پژوهش حاضر از نوع تحقیقات بنیادی و مبتنی بر بررسی میدانی، کاوش متمرکز، واری‌مناخ تاریخی و رویکرد تطبیقی به مجموعه داده‌هاست، درون‌مایه‌ی روش و نگرش پژوهش پیش‌رو را گزینش شواهد و مدارک میدانی مرتبط با موضوع پژوهش، توصیف زیست‌بوم و مختصات یافته‌ها و توضیح آن‌ها در بستر باستان‌شناختی مکان و دوره‌ی مورد نظر تشکیل می‌دهد. همچنین تحلیل‌های نظری، متکی بر بررسی‌های آزمایشگاهی در خصوص یافته‌هایی چون اشیاء شیشه‌ای است. تصویرهای هوایی تهیه شده با پهباد و مستندنگاری‌های دقیق ترسیمی و تصویربرداری‌های تک‌بُعدی و چندبُعدی اسناد زمینه‌ای ما برای شرح موضوع، بسط محتوا و ارائه‌ی نتایج بوده است و در نهایت حفاظت محوطه با مصالح بوم‌آورد پس از اتمام کاوش به انجام رسید.

پیشینه‌ی پژوهش

یکی از مهم‌ترین مدارک درخصوص شناسایی شهرها و بناهای مهم برجای مانده در کرانه‌های سیمره به سال ۱۲۱۷ ه.ش / ۱۸۳۹ م. و به تفحص‌های «سره‌نری راولینسون» باز می‌گردد؛ راولینسون ضمن عبور از دره‌های اطراف سیمره، به آثار شهری در رودبار اشاره دارد و می‌نویسد: «مسیر رودبار به بان پرور و لارت، یکی از دشوارترین گذرگاه‌های بین کوه‌های زاگرس و جلگه‌ی سوزیان است، اما با این حال عبور کالسکه از آن امکان‌پذیر است»؛ وی پس از بازدید از دره‌شهر، آن را «سیروان تاریخی» مربوط به دوره‌ی ساسانی دانست (راولینسون، ۱۳۶۲: ۶۲-۶۰) در فاصله‌ی سال‌های ۱۹۲۷ تا ۱۹۳۱ م. «فریا استارک» طی سفرهای خود به لرستان و ایلام، خبر از تنگه کافری یا به قول او «گردنه‌ی کافران» می‌دهد و می‌نویسد: «به مرزهای قبیله‌ی کوچکی که در اصل عرب بودند، رسیدیم. این قبیله نام یکی از مردان مقدس مدینه را که جابر نام داشت به خود داده بود و قبر او در این دره در زیر ستون هرمی شکل سفید شده‌ای جای دارد، پس از ترک بقعه این زاهد باستانی، راه ما وارد بستر رودخانه‌ای شده، این بستر همچون صفحه‌ی پهنی بین رشته‌ی طولانی تپه سنگ آهکی در سمت چپ و اولین برجستگی کوه سیاه‌پیر در سمت راست قرار داشت. اکنون رودخانه (رودخانه‌ای که وجود نداشت) با نام روئه، بستری بزرگ و خشک داشته و سراسر بستر پهن آن با درخت‌های گز و شن پوشیده شده بود، گذر کرده است»؛ او از یک گودال آتشفشان دایره‌شکل رسوبی که در ته آن آبی وجود داشت به نام «زمزم» که در حدود صد متر عرض دارد یاد می‌کند، هم‌اکنون نیز این گودال به نام «چاه زمزم» وجود دارد و از ویرانه‌های شهری یاد کرده و در چند محل نیز حفریاتی انجام داد (استارک، ۱۳۶۴: ۱۱، ۱۱۹-۱۱۸). در طی بازدید از آن، قطعات چندی از سفال‌های دوره‌ی ساسانی و صدر اسلام شناسایی شد. در سال ۱۹۳۶ م. «سراورل اشتاین» با پژوهشی گسترده در لرستان و حاشیه‌ی سیمره از برخی محوطه‌ها و تپه‌های باستانی کوه‌دشت از جمله: قلعه‌گوری، چپازرگران، چپاسیاه، چپاآهو، چپاسرخ، باغ‌زال، مقبره‌ی داودرش و کانال‌های تنگ گراز، یاد می‌کرد. در سال ۱۳۶۴ ه.ش. توسط «مهدی رهبر» و «نصرت‌الله معتمدی» در چندین محوطه همچون طرحان و تنگه‌ی سیاب بررسی‌هایی را به انجام رساندند (مرکز اسناد باستان‌شناسی استان تهران، ۱۳۷۴: ۷). در سال ۱۳۶۲ ه.ش. بررسی منطقه و نقشه‌ی حریم تاریخی دره‌شهر توسط «سیف‌الله کامبخش‌فرد» به انجام رسید، او معتقد بود دره‌ی سیمره در دوره‌ی ساسانی با توجه به آثار برجای مانده‌ی بسیاری چون: پل‌ها، بناها، آتشکده‌ها و قلعه‌ها؛ به‌ویژه در حاشیه‌ی سیمره از موقعیت خوبی در این دوره برخوردار بوده (کامبخش‌فرد، ۱۳۶۸: ۶۶، ۶۱، ۳۴). در سال ۱۳۷۴ ه.ش. نصرت‌الله معتمدی کاوش در دره‌شهر را آغاز کرد و «سیمین لک‌پور» آن را تا ۹ فصل ادامه داد و به نتایج ارزنده‌ای دست یافت (لک‌پور، ۱۳۸۹: ۱۵). در سال ۱۳۸۵ و ۱۳۸۸ دره‌ی سیمره توسط خداکرم مظاهری و سیاوش شهبازی مورد بررسی قرارگرفت (مظاهری، ۱۳۹۳: ۱۳۰).

«رسول بروجنی» در سال ۱۳۸۶ ه.ش.، در طی بررسی از حوضه‌ی آبگیر سیمره، ۱۰۳ محوطه را از دوران نوسنگی تا اسلامی از جمله محوطه‌هایی در تنگه کافری را

شناسایی و با نام کافری ۱ و ۲ شامل تپه و محوطه، کافری ۳ شامل گورستان را به ثبت رسانید (بروجنی، ۱۳۹۳: ۷). کاوش‌های نجات‌بخشی در سال ۱۳۸۹ ه.ش. در محوطه‌ی بزرگی با نام «برزقواله» بنایی را با گچ‌بری‌های نفیس از دوره‌ی ساسانی که توسط «کامیار عبدی» و «آرش لشکری» کاوش شد، آشکار کرد (عبدی، ۱۳۹۳: ۵۱؛ کرمیان، ۱۳۹۲).

«عطا حسن پور» در پی کاوش‌های نجات‌بخشی در قلعه‌گوری که اشتاین در بررسی‌های خود از آن نام برده بود، بقایایی از یک بنای دوره‌ی ساسانی با گچ‌بری‌های زیبا به دست آورد (حسن پور، ۱۳۹۳: ۲۶۳، ۲۶۸). ادامه‌ی کاوش‌های نجات‌بخشی در محوطه‌ی باستانی «له‌لار» که توسط «آندره گدار» در سال ۱۳۱۰ ه.ش. بررسی شده و به‌عنوان شکارگاه سلطنتی ثبت شده بود در سال ۱۳۹۰ ه.ش. توسط «عباس مترجم» آغاز و بخشی از یک بنای ساسانی با بقایایی از پایه‌ستون‌های آن به دست آمد (مترجم، ۱۳۹۴: ۲۰۵). ادامه کاوش‌ها در سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ ه.ش. توسط نگارنده به انجام رسید و بقایایی از بنای‌های دوره‌ی ساسانی و کارگاه‌های شیشه‌گری و همچنین بنای با تالارستون‌دار از عصر آهن به دست آمد (نیاکان، ۱۳۹۴: ۱۸۹). در بررسی‌های انجام شده در تنگه کافری در سال ۱۳۹۵ ه.ش. آثاری از استقرارها و گورستان‌های عصر مفرغ و بناهایی که سر از آب بیرون آوردند، به دست آمد. وجود بقایای برجای مانده از آتشکده‌هایی چون کلم، ویزنهار و پل‌های باستانی مانند پل سیمره، گاومیشان، و پلدختر در این منطقه حاکی از گذرگاه‌هایی از طریق این معبرها بوده است. بررسی‌های اشمیت در دره‌ی سیمره و پیرامون آن، این دره را به‌عنوان گذرگاه اصلی فرهنگ‌های کوهستان و دشت جنوب‌غربی ایران نام برده است (اشمیت، ۱۳۷۶: ۱۱۷).

زیست بوم سیمره

استان ایلام با وسعت ۲۰,۱۵۰ کیلومتر مربع، یکی از استان‌های نیمه‌مرطوب کوهستانی ایران است که در همجواری با استان‌های خوزستان در جنوب، لرستان در شرق، کرمانشاه در شمال و مرز مشترک ۴۲۵ کیلومتری با عراق، از نظر زمین‌ریخت‌شناسی و پستی و بلندی‌های موجود به دو منطقه‌ی مشخص کوهستانی در شمال و شرق با آب و هوای سرد و نواحی پست و دشت‌های جنوبی با آب و هوای گرم، تقسیم می‌شود. مهران و دهلران، دو دشت مهم جنوب استان ایلام هستند که بلندی آن‌ها از سطح دریا بین ۱۰۰ تا ۵۰۰ متر در نوسان است. این بخش‌ها را کوه‌های زاگرس با جهت شمال‌غربی- جنوب‌شرقی دربر گرفته و بلندترین نقطه‌ی استان نیز به نام کبیرکوه با بلندی ۲۷۹۰ متر در این میان برافراشته است. کبیرکوه بزرگ‌ترین تاقدیس منفرد در زاگرس با درازای حدود ۲۶۰ کیلومتر است (فیشر، ۱۹۷۶: ۱۶۶) که به موازات ساحل راست رودخانه سیمره قرار دارد و امروزه مرز طبیعی بین استان‌های لرستان و ایلام را تشکیل می‌دهد؛ تا چند دهه‌ی پیش منطقه‌ی لرستان برپایه‌ی این رشته کوه به دو بخش پشتکوه و پیشکوه تقسیم می‌شد و اکنون بخش پشتکوه به استان ایلام و پیشکوه به استان لرستان تعلق دارد. از بلندی‌های استان ایلام رودخانه‌های فراوانی سرچشمه می‌گیرد که به‌طور کلی آن‌ها را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد؛ گروه اول، به

شرق جریان یافته و به رودخانه‌ی سیمره می‌پیوندد و گروه دوم، به غرب جاری شده و به رودخانه‌ی دجله در عراق می‌ریزد (زیدی، ۱۳۹۱: ۸-۱۵۷)، (نقشه‌های ۲ و ۱).



► نقشه ۱. زاگرس مرکزی و نقشه‌ی سیاسی استان ایلام (www.google.com, 2018).



► نقشه ۲. تصویر ماهواره‌ای از موقعیت رسوب‌گذاری رودخانه و دریاچه‌ی سیمره (Google Earth, 2017).

حوضه‌ی آبگیر سیمره از نظر زمین‌ریخت‌شناسی و موضع‌نگاری منطقه‌ای در بخشی موسوم به «زاگرس چین‌خورده» قرار دارد. بخش اصلی زاگرس از چین‌خوردگی‌های دوران سوم زمین‌شناسی پدید آمده است. آبریزهای اصلی این چین‌خوردگی‌ها رو به خلیج فارس دارد (اهلرز، ۱۳۷۲: ۷۵). رود سیمره به طول ۴۱۷ کیلومتر با شیب ۰/۳٪، از شمال به جنوب در دره‌ها و تنگه‌های رشته‌کوه زاگرس روان است. سرچشمه‌های عمده‌ی رودی که در ایلام «سیمره» خوانده می‌شود را باید در کوه الوند و در همدان جستجو کرد؛ این جریان آبی پس از دریافت شاخه‌هایی از ملایر، تویسرکان و نهاوند به «گاماسب» معروف می‌شود، سپس در جنوب شهر کرمانشاه، مسیرش از ریزآبه‌های ماهیدشت، هلیلان و کرد بر خوردار شده و مرزهای ایلام و لرستان را پشت سر می‌گذارد و پس از دریافت آب چرداول به سیمره موسوم می‌شود، و به تنگه‌ی «سازین» برابر با انتهای حوضه‌ی آبگیر سد سیمره رسیده و در ادامه با دریافت آب «شیروان» تغییر جهتی دوباره می‌یابد و از شمال غرب به جنوب شرق جاری می‌شود. در این گذار، ریزآبه‌های دیگری مانند: جابر، کُلم، روئه و سیاب که در حوضه‌ی آبگیر سد سیمره قرار دارند را دریافت می‌کند؛ از سوی دیگر، از نظر ریخت‌شناسی و زمین‌ساخت منطقه‌ای با کوه‌ها

و دره‌هایی را شامل می‌شود که جهت کلی آن‌ها از جنوب شرق به شمال غرب است. اما پدیده‌هایی مانند لغزش‌هاش پوسته و چین خوردگی‌های مشهود در برخی نقاط، راه عبور سیمره را بسته است. چنین پدیده‌هایی در دوره‌ی پلئستوسن بر روی تاقدیس کبیرکوه رخ داده و تشکیل بزرگ‌ترین دریاچه‌ی سدی دنیا را در حدفاصل پلدختر تا شهر لومار است. این عارضه‌ی یاد شده به بزرگ‌ترین زمین لغزش در سراسر کره‌ی خاکی معروف شده است (Oberlander, 1965: 164-168). فرآیند فوق در طول دره‌ی سیمره باعث شکل‌گیری لایه‌ی ضخیمی از انباشت گل‌ولای رودخانه‌ی سیمره در سراسر کف دریاچه و سبب ایجاد بستری مناسب با خاک حاصلخیز شده است (Harrison, 1946: 62). با توجه به چین خوردگی‌های موجود و مسیر کلی شمال غرب به جنوب شرق سازندهای زمین‌شناختی در بخش‌های عوارض تاقدیسی موجود قطع شده و تنگه‌های کم‌عرضی مانند: تنگه‌های راوندی، سیاب، چپاسبز، لار، برنجان، کافری و سازین، در درون آهک‌ها به وجود می‌آید (ایرلندر، ۱۳۷۹: ۱۴۵؛ علایی طالقانی، ۱۳۸۴: ۱۸۰-۱۷۷)، (نقشه‌های ۲ و ۳). فرآیند فوق با توجه به شرایط طبیعی و توپوگرافی موجود در کرانه‌های رود سیمره باعث به وجود آمدن شرایط زیستگاهی و الگوهای استقراری از دوران پیش از تاریخ تا کنون بوده و می‌توان دره‌ی سیمره و پیرامون آن را به عنوان گذرگاه اصلی فرهنگ‌های کوهستان و دشت جنوب غربی ایران نامید.

موقعیت و توصیف محوطه کاوش

تنگه کافری در حاشیه رودخانه روئه، با مختصات جغرافیایی 0685944S 038، UTM: 3694261 و ارتفاع ۷۰۴ متری از سطح دریا در مسیر جاده‌ی ایلام به بدره، در فاصله‌ی ۳/۵ کیلومتری شمال شهرک ولیعصر در حاشیه‌ی رودخانه‌ی روئه واقع شده است. در طی بررسی‌های باستان‌شناسی در این تنگه و در حاشیه‌ی رودخانه‌ها بخش‌هایی از عناصر معماری یک بنا قابل رؤیت بود که پس از کاوش بنای نویافته‌ای براساس یافته‌های فرهنگی از دوره‌ی ساسانی بر بستر صخره‌های کوه مله روئه بر روی تراس زمین‌شناسی و در شیب تند مشرف به رودخانه‌ی روئه آشکار شد. وضعیت توپوگرافی و شواهد سطحی در محدوده‌ی این آثار از جمله ساختارهای معماری و سفال‌های پراکنده از این دوره و عصر مفرغ، حاکی از استقرار وسیع در این حوزه‌ی فرهنگی است (تصویر ۱).

مطالعات میدانی

بنای تاریخی روئه، ابتدا در بررسی‌های پیمایشی سال ۱۳۹۵ ه.ش. در تنگه کافری کشف و جزئیات آن طی کاوش‌ها شناسایی شد. شروع کاوش با شناسایی دقیق ساختار معماری، ساماندهی و حفاظت آن با توجه به شسته شدن خاک‌هایی که بر روی عناصر معماری هم‌چون داغ دیوارها و بخش‌هایی از طاق‌ها و بقایایی از گچ‌بری‌ها و دیگر آثار که بر اثر نفوذ آب متلاشی و تخریب شده بود، آغاز شد؛ لذا با توجه به وسعت آثار، کارگاهی به ابعاد ۲۰×۳۰ متر در راستای شمالی-جنوبی در پایین دست کوه مله روئه و در حاشیه‌ی جنوبی تنگ کافری ایجاد گردید؛ موقعیت



► تصویر ۱. عکس هوایی تنگه کافری، و موقعیت محوطه‌ی ساسانی رونه در حاشیه‌ی دریاچه‌ی سد سیمره (Google Earth, 2017).

قرارگیری این کارگاه از نظر توپوگرافی دارای شیبی نسبتاً تند به سوی دریاچه بود. هدف از ایجاد این کارگاه شناخت ساختارهای معماری و دوره‌های فرهنگی این بنا بود. مطالعات میدانی بر روی این بنای تاریخی با توجه به حجم آثار و عناصر معماری باقی‌مانده در سطح محوطه به صورت پی‌گردی انجام و به پایان رسید. در طی کاوش مشخص شد ساختار معماری این بنا دارای پی دیواری منظم به صورت سنگ‌چین با قلوه‌سنگ‌های ریز رودخانه‌ای و متوسط در حد واسط از ۶ رج و ۴ ردیف با ملاط گچ نیم‌کوب و نیم‌پخت ساخته شده است. دیوارهای این بنا، عریض با چینش سنگ‌های رودخانه‌ای و استفاده از ملاط و روکش گچ برپا شده بود. بخش داخلی بنا دارای طاقچه‌های متعدد و گچ‌بری‌های که بر اثر مرور زمان و زیر آب ماندن بنا آسیب دیده بود و در برخی نقاط بقایای از پوشش اندود گچی آن دارای بافتی سخت به ضخامت ۵-۱۰ سانتی‌متر که در کنار بخش‌هایی از دیوارها و طاقچه‌ها وجود داشت؛ همچنین در این بنا از گچ به صورت گسترده برای طاق‌ها و اندود دیوارها طاقچه‌ها و نیز تزئینات گچ‌بری استفاده شده است. از جمله موارد مهم در ساختار این بنا باید به ملات گچ مرغوب که با جذب و انسجام بافتاری و استحکام ساختاری آن اشاره کرد. این روند از عوامل مهم در ساخت بناها و پیشرفت طاق‌زنی در معماری دوره‌ی ساسانی بود که در این بنا دیده شده است. شایان ذکر است، آثار سوختگی شدید و انباشت خاکستر هنوز بر کف‌ها و بر دیوارهای بنا دیده می‌شد، که نشان از وقوع آتش‌سوزی در این بنا دارد. با توجه به اندک یافته‌های فرهنگی برجای مانده در این بنا، باید بر احتمال تخلیه و ترک همیشگی آن پس از دوره‌ی ساسانی اذعان کرد. هم‌چنین با ادامه‌ی کاوش در لایه‌های تحتانی، بقایایی از سفال‌های عصر مفرغ و بقایای تخریب شده از دیوارهای این دوره نیز به دست آمد. در نهایت، براساس فضاهای معماری آشکار شده با نوع مصالح، نوع چیدمان، پهنای دیوارها، شکل ظاهری آن‌ها، زاویه‌بندی و داده‌های فرهنگی موجود به نظر می‌رسد این بنای درخور توجه مربوط به اواخر دوره‌ی ساسانی باشد. با توجه به وضعیت توپوگرافی، چشم‌انداز منطقه و پراکندگی آثار مورد بحث را می‌توان یکی از سکونت‌گاه‌های مهم در عصر ساسانی برشمرد (تصاویر ۱، ۲، ۳ و ۴).



تصویر ۲. بررسی تنگه کافری در حاشیه رودخانه‌ی روئه (نگارنده، ۱۳۹۵). ◀



تصویر ۳. کاهش تراز آب رودخانه و بیرون آمدن بخشی از ساختارهای معماری (نگارنده، ۱۳۹۵). ◀



تصویر ۴. نمایی از محوطه‌ی ساسانی روئه (نگارنده، ۱۳۹۵). ◀

ویژگی‌های معماری بنای نویافته روئه

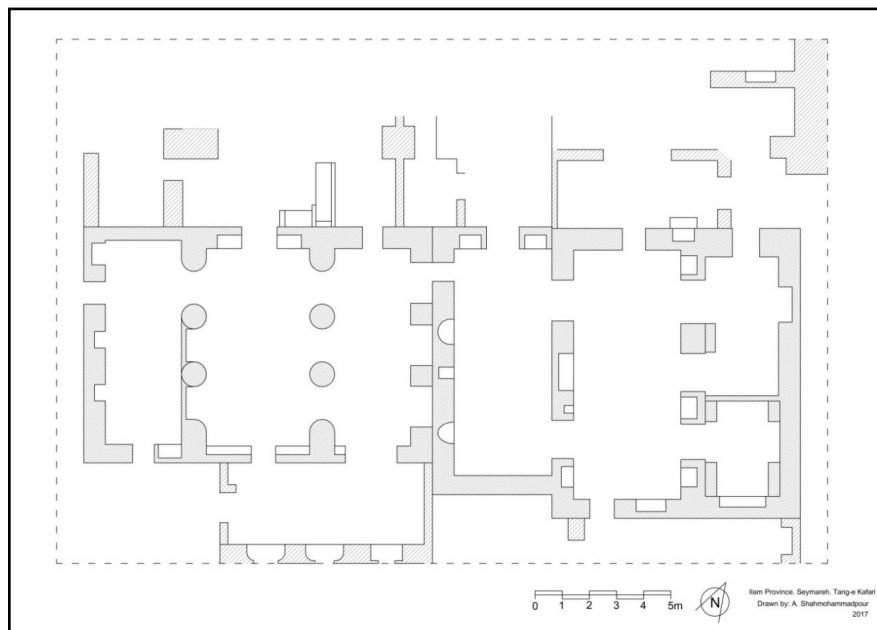
شواهد معماری به دست آمده، نشان از بقایای منظمی از دیوارها و ساختارهای معماری این بنای نویافته است. مصالح به کار گرفته شده در این معماری عمدتاً سنگ‌ها، تخته‌سنگ‌های شکسته‌ی رودخانه‌ای و قلوه‌ای شکل به همراه ملات گچ بوده است. نمای تمام دیوارها با اندود گچی پوشانده شده بود. ضخامت این اندود به بیش از سه سانتی‌متر متغیر است. در پاره‌ای از موارد، این اندود تجدید شده بود. به نظر می‌رسد اندود روی دیوارها به طور یکنواخت و به یک شیوه اجرا شده باشد؛ چراکه در برخی نقاط اثر انگشتان دست سازندگان بر روی اندود گچ به وضوح مشخص و در سایر نقاط اندود گچی فوق از سطحی نسبتاً صاف برخوردار است. این امر می‌تواند نشانه‌ی استفاده از ابزارهای تخصصی‌تر باشد. در بخش‌هایی از

بنا هنوز بقایایی از کف گچی وجود داشت، که در برخی نقاط تقریباً با پی دیوار به صورت یک رج از سنگ‌های کوچک روی بستر رسوبی محوطه به ضخامت ۳۰ سانتی متر با ملات گچ کاملاً محکم و هم‌تراز شده است.

در طی نقشه برداری بنای ساسانی روئه مشخص شد این بنا دارای دو بخش مستقل است که به نام ساختمان‌های الف و ب تقسیم شد که در این جستار به شرح و مقایسه‌ی تحلیلی آن می‌پردازیم. نقشه‌ی پلان بنای ساختمان الف، نشان می‌دهد این ساختمان از سه تالار مرکزی، شرقی و غربی، در کنار هم تشکیل شده و به یکدیگر راه دارند. تالار مرکزی با ابعاد حدود ۹×۴ متر از بقیه‌ی تالارها بزرگ‌تر است. تالارهای دیگر همچون تالار غربی با ابعاد ۳۶۰ سانتی متر و تالار شرقی به ابعاد ۲۷۰ سانتی متر کم‌عرض‌ترین تالار است؛ اگرچه تقارن معناداری در پلان ساختمان موجود نیست، ولی محل قرارگیری جرزهای اصلی تالار مرکزی و نوع سازه‌ی پوششی آن را قابل تصور می‌کرد. به طوری که جرزهایی که روبه‌روی هم هستند توپزه‌ها را حمل می‌کرده‌اند و بین آن‌ها احتمالاً طاق زده شده است (تصویر ۵، پلان ۱) با توجه به شناخت معماری این دوره، می‌توان گفت این نوع سبک معماری متعلق به ادوار میانه و یا پایان دوره‌ی ساسانی بوده‌اند؛ و پوشش سقف تالارهای شرقی و غربی با توجه به انباشت قطعات دارای قوس می‌توانسته با طاق آهنگ پوشانده شده باشند.



► تصویر ۵. دیوار شرقی تالار مرکزی ساختمان الف (نگارنده، ۱۳۹۵).



► پلان ۱. پلان معماری بنای ساسانی روئه، ساختمان الف (ترسیم مهندس علیرضا شاه‌محمدپور، ۱۳۹۶).

همچنین دو طاقچه‌ی دیوار غربی آن نیز با دیگر طاقچه‌ها این بخش از بنا فرق دارد و پوشش آن حالت نیم‌گنبدی و به صورت قرینه نمایان شد (پلان ۱، تصاویر ۵ و ۶).



تصویر ۶. دیوار غربی تالار غربی ساختمان الف (نگارنده، ۱۳۹۵).

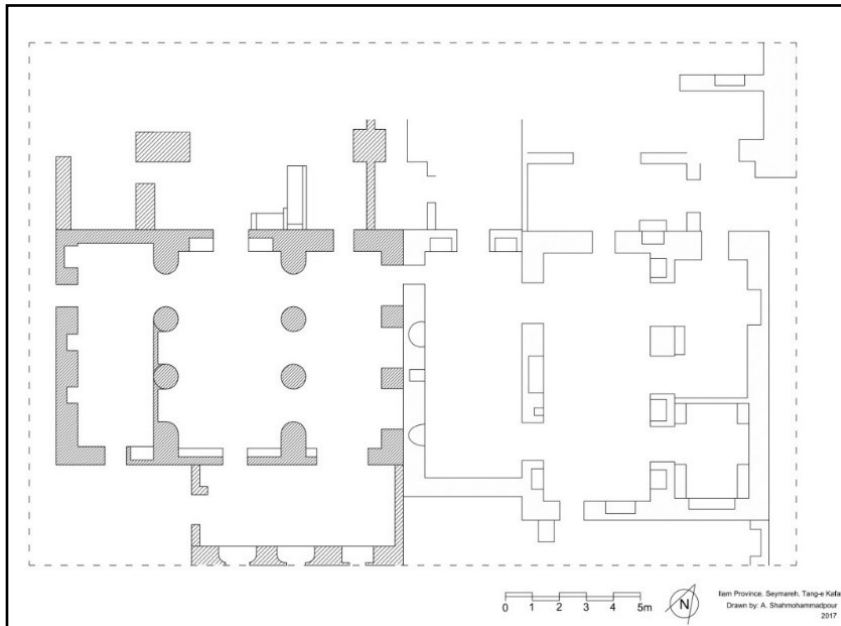
در تالار شرقی در طی زمان‌های متمادی تغییر و تحولاتی انجام شده بود. گویا پس از خرابی سقف آن از عناصر سازه‌ای جدید در داخل فضا استفاده شده و تقسیمات جدیدی نیز ایجاد شده است؛ مصالح به کار رفته در جداره‌ی این فضاها از سنگ‌های رودخانه‌ای در دیواره بنا به کار برده و سپس از ملات گچ برای استحکام بیشتر و پوشاندن سطح آن‌ها استفاده شده است. اثرات آن بر روی دیوارها که با دولایه‌ی گچ اندود شده و هنوز اثر انگشتان گچ‌کار بر روی اندود برخی از دیوارها مشهود بود. کف فضاها دارای اندودی از گچ و درون طاقچه‌ها علاوه بر انباشت ماسه‌ی نرم و شن‌های آبرفتی که نشانگر نشت آب باران در طی هزاران سال و بالا آمدن آب رودخانه بود، آواری از توده‌های سنگ و گچ که از بنا جدا شده نیز وجود داشت. از دیگر مواردی که می‌توان به آن اشاره داشت تغییر کاربری‌های جدیدی که به بنا داده بودند؛ از جمله برخی از ورودی‌ها را با مصالح سنگ‌های رودخانه‌ای و ملات گچ پوشانده شده بود. قطعات سفال به همراه تعداد اندکی قطعات شیشه و گچ‌بری‌های فراوانی بر روی کف این بنا به دست آمد (تصویر ۷).

ساختمان ب نسبت به بخش الف متأخرتر است. این بنا دارای تقارن محوری است و نظم آن دستخوش تغییرات نشده است. ساختمان از سه بخش تشکیل شده که عرض بخش مرکزی، بدون احتساب ضخامت جرزها به ابعاد ۳۸۰ سانتی‌متر و عرض دو تالار کناری هر یک دارای ابعاد ۲۸۰ سانتی‌متر است. شاخص‌ترین بخش این ساختمان تالار ستوندار مستطیل شکل آن است که شامل ستون‌های گِرد محیطی در حدود ۲۹۰ سانتی‌متر یا شعاعی حدود ۴۶ سانتی‌متر را تشکیل می‌دهند. مصالح ستون‌ها از مصالح بوم‌آورد منطقه چون سنگ‌های رودخانه‌ای در اندازه‌های گوناگون با ملات گچ است. سطح‌شان با گچ پوشیده شده که با توجه به صاف بودن برخی نقاط برجای مانده بر ستون احتمالاً در زمان خود صیقل خورده بود. بر پایه‌ی شواهد آشکار شده روش ساخت هر یک از پایه‌ستون‌ها و نیز دیوارهای بنا با به‌کارگیری قلوه‌سنگ‌های رودخانه‌ای بر اساس هموارسازی آن‌ها در چیدمان کنار هم که تقریباً درج‌های منظم در نمای بیرونی دیوار و نیز پُر کردن بخش داخلی دیوار با توده‌ای از سنگ‌های کوچک‌تر



► تصویر ۷. مدل سه‌بُعدی اتاق گوشه‌ی جنوب‌شرقی ساختمان الف (نگارنده، ۱۳۹۵).

و مقدار زیادی ملات گچ بوده قابل رؤیت است. ویژگی‌های برجسته‌ی دیوارهای این بنا به‌ویژه در بخش تالارها، این است که در انتخاب سنگ‌ها به شکل آن‌ها توجه ویژه‌ای شده و به‌صورت رج‌های تقریباً منظم در دیوارها به‌کار رفته‌اند. از آنجایی که سنگ‌ها اندازه‌ی یکسان و زاویه‌ی تند نداشتند، گونه‌ی اتصال آن‌ها به این صورت بوده که گاهی برخی از قلوه‌سنگ‌های بالایی، بخشی از سنگ‌ها را از سنگ‌های ردیف پایینی با ملات گچ پوشش داده، بدون آن‌که با قطعه‌ی سنگ کناری پیوندی داشته باشد. در نهایت ملاط گچ دیگری را اضافه کرده‌اند، استفاده از این روش موجب شده تا سازندگان بنا بتوانند محل تلاقی دیوارها را به یکدیگر چفت و بست کنند و برای جبران این کاستی، کنج‌ها را با لایه‌ی ضخیمی از گچ پر کرده‌اند. پس از ساخت دیوارها، جرزها یا پایه‌ها سطوح آن‌ها را با لایه‌ی ضخیمی از ملات گچ اندود شده، ضخامت باقی‌مانده آن بین سه تا پنج سانتی‌متر متغیر بوده است. سطح این اندودها هموار بوده، به‌طوری‌که روی برخی از دیوارها چند لایه‌ی اندود گچ که بیانگر مرمت‌های پیشین آن بود، شناسایی شد. در سطح اندودها به‌خصوص بندهای حدفاصل سنگ‌ها آثار اندکی از خراش با ابزارها وجود داشت؛ به‌نظر می‌رسد هدف از ایجاد شیارهای یاد شده چسبندگی بهتر اندودهای نهایی و بهتر نصب شدن پلاک‌های گچی تزئینی بوده است. همچنین وجود قطعات بزرگ گچ‌بری دارای قوس و شناسایی آن و عرض ورودی‌ها به‌نظر می‌رسد بخش‌های ورودی بنا مزین به این قوس‌های تزئینی بوده است. این روش در اکثر بناهای منطقه‌ی غرب دست‌کم از دوره‌ی اشکانی تا به امروز رواج داشته است. از جمله‌ی این بناها می‌توان به بناهای سنگی دوره‌ی اشکانی: گچ‌کنبد در مجموعه‌ی قلعه یزدگرد، چهارقاپی، قلعه خسرو (بان قلعه)، زیج‌منیژه یا تاق بنای فیروزآباد غرب اشاره کرد. شایان ذکر است که یکی از دلایل تشخیص جدید بودن این بخش نسبت به ساختمان الف، در تالار شرقی آن هویداست، که برای احداث آن از دیواره‌ی غربی ساختمان الف استفاده شده و جرزهایی که سقف بنا را متحمل می‌شده‌اند به آن دیوار تکیه زده‌اند (تصاویر ۸ و ۹؛ پلان ۲).



پلان ۲. پلان معماری ساختمان ب (ترسیم مهندس علیرضا شاه‌محمدپور، ۱۳۹۶). ◀



تصویر ۸. نما و طرح ایزومتریک دیوار غربی، ساختمان ب (نگارنده، ۱۳۹۵). ◀



تصویر ۹. تصویر سه‌بعدی جزئیاتی که به دیوار شرقی ساختمان الف تکیه داده‌اند (نگارنده، ۱۳۹۵). ◀

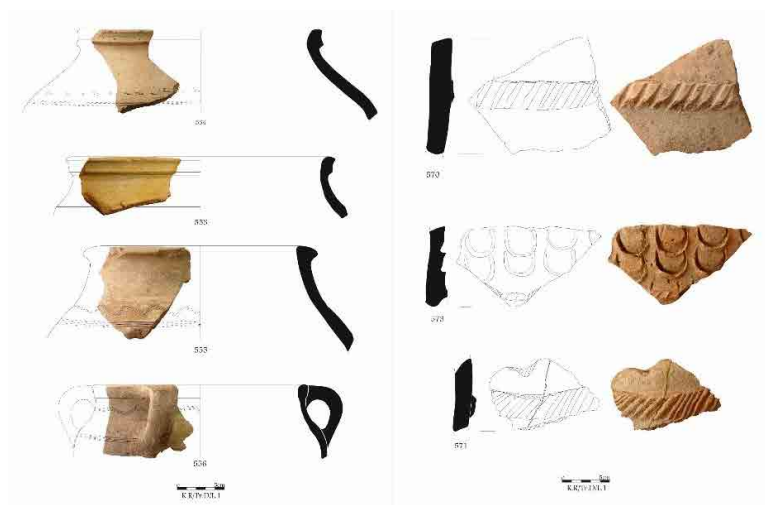
تالار غربی ساختمان ب در دوره‌ای با یک دیوار حائل از بخش مرکزی تفکیک شده و تنها یک در برای تردد لحاظ گردیده است. تشخیص نوع پوشش سقف این بخش سهل تر است. بین جرزهای اصلی، در عرض تالارها توپزه احداث شده و بین آن‌ها طاق وجود داشته است که مبنای آن از چگونگی اجرای پوشش سقف و استفاده از این روش در بسیاری از بناهای دوره‌ی ساسانی و در دوران اسلامی از جمله در ایوان کرخه رواج داشته است. نکته‌ای که در اینجا قابل ذکر است، این است که براساس شواهدی که بر روی این جرزهای مدور وجود دارد، پای قوس طاق‌ها و توپزه‌ها در یک تراز قرار دارد؛ از سوی دیگر، چگونگی اجرای پوشش سقف در بسیاری از بناهای دوره‌ی ساسانی و در دوران اسلامی هم دیده شده است (تصویر ۱۰).



► تصویر ۱۰. نما و طرح ایزومتریک از جرزهای مدور ساختمان ب (نگارنده، ۱۳۹۵).

سفال

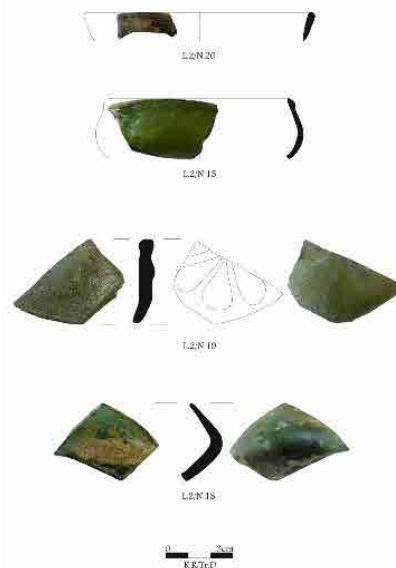
در طی کاوش قطعات شاخصی از سفال‌های اواخر ساسانی به صورت انواع ظروف شامل: لبه، دسته، بدنه، کف و لوله به دست آمده است. سفال‌ها دارای طیف‌های رنگی: نخودی، قهوه‌ای، نارنجی و خاکستری بوده که گونه‌ی نخودی عموماً با پوشش گلی غلیظ دارای تزئیناتی طنابی، انگشتی و افزوده بودند. رنگ خمیره‌ی غالب سفال‌ها نخودی است و شاموت آن‌ها شامل ترکیبات خاک رس، گاه اندک و آهک است. اغلب سفال‌های دارای پخت کافی و کیفیت مناسب هستند. مطالعات گونه‌شناسی و مقایسه‌ای حاکی از این است که سفال‌های روئه با سفال‌های برزقواله، قلاگوری و له‌لار، در یک طیف زمانی در اواخر ساسانی قرار می‌گیرد (طرح ۱).



► طرح ۱. سفال‌های محوطه‌ی ساسانی روئه (نگارنده، ۱۳۹۵).

یافته‌های شیشه‌ای

قطعاتی از الگوهای شیشه‌ای به رنگ‌های خاکستری، سبز و آبی، زرد مایل به قهوه‌ای با تزئیناتی به شکل مارپیچ و قطعات ظروف شیشه‌ای به رنگ‌های سبز و سفید دارای تزئیناتی به صورت نوار موج و گلبرگ بر روی بدنه نقش شده است. آزمایشات انجام شده براساس ریخت‌شناسی الگوهای یافت شده حکایت از ساخت آن‌ها در گستره‌ی زمانی وسیعی از قرون چهارم میلادی تا دوران اسلامی بوده است و قابل مقایسه با آثار شیشه‌ای به دست آمده از: وهاردشیر، بیشاپور، سیراف، افغانستان و رقه در سوریه است، و نشان داد که نمونه‌ها مربوط به نمونه‌های متأخر ساسانی و اوایل اسلامی است (کلینی، ۱۳۹۵: ۲۴-۲۳)، (طرح ۲).



▲ طرح ۲. یافته‌های شیشه‌ای محوطه‌ی ساسانی روئه (نگارنده، ۱۳۹۵).

گچ‌بری

در طی کاوش و عملیات خاکبرداری آوارها در این بنای ساسانی شاهد تزئینات گچ‌بری چون نقوش گیاهی، هندسی و پرنده با قطعات قوسی‌شکل و حاشیه‌های تزئینی بسیاری شناسایی شد که همه‌ی آن‌ها در اثر آواررسوبات و فشار آب تخریب شده بودند. مطالعات گونه‌شناسی و مقایسه‌ای حاکی از این است این گچ‌بری‌ها با برخی گچ‌بری‌هایی که از محوطه‌های برزقواله، قلاگوری و دره‌شهر به دست آمده مشابهاتی را دارند (تصویر ۱۱).

تحلیل و مقایسه‌ی تطبیقی

با توجه به توصیف‌های پیشین به بررسی، تحلیل و مقایسه‌ی عناصر معماری به دست آمده از بنای ساسانی روئه و شباهت‌های آن با دیگر محوطه‌های هم‌زمان در حاشیه‌ی رودخانه‌ی سیمره پرداخته می‌شود تا بتوان به درک صحیحی از نوع کاربری این بنا در دوره‌ی ساسانی دست یافت. شایان ذکر است که در دوره‌ی ساسانی دو ساختمان را از نظر طرح همانند هم نمی‌توان جستجو کرد (پیرنیا، ۱۳۸۳: ۹۵)؛ بنابراین با توجه به موارد ذکر شده در ابتدا به توصیف کوتاهی از بناهایی که در طی کاوش در طی چهار دهه‌ی گذشته در استان‌های ایلام و لرستان همچون محوطه‌های باستانی دره‌شهر، له‌لار، برزقواله و قلاگوری کاوش گردید، می‌پردازیم (تصویر ۱۲).

محوطه‌ی باستانی دره‌شهر: این بنا در شهر تاریخی دره‌شهر در استان ایلام و حدود ۴۳ کیلومتری به خط مستقیم بنای ساسانی روئه واقع شده است. محوطه‌ی باستانی دره‌شهر توسط سیف‌الله کامبخش فرد، نصرت‌الله معتمدی و در نهایت سیمین لک‌پور طی ۹ فصل مورد کاوش‌های باستان‌شناسی قرار گرفته و بناهای متعددی از جمله بنای خانه‌ی اربابی کشف و آواربرداری شد (لک‌پور، ۱۳۸۹: ۱۵) که از نظر نوع: پلان، تاق‌ها، تاقچه‌ها، ورودی‌ها و تزئینات وابسته به بنا چون برخی گچ‌بری‌ها مشابه بنای ساسانی روئه است (تصاویر ۱۳ و ۱۴).



▲ تصویر ۱۱. نمونه‌ای از گچ‌بری‌های بنای ساسانی روئه (نگارنده، ۱۳۹۵).

محوطه‌ی باستانی له‌لار: این محوطه در حاشیه‌ی جنوبی رودخانه‌ی سیمره، در شیب شمالی ارتفاعات سی‌پیر و در ۸ کیلومتری بنای ساسانی روئه واقع شده



► تصویر ۱۲. تصویر ماهواره‌ای از موقعیت محوطه‌های باستانی دره شهر، برزقواله، قلاگوری، له‌لار و روئه (Google Earth, 2017).



► تصویر ۱۳. دورنمایی از محوطه‌ی باستانی دره‌شهر (نگارنده، ۱۳۹۶).



► تصویر ۱۴. نمونه‌ی طاقچه‌ها، ورودی و طاق‌های به‌دست آمده از محوطه‌ی باستانی دره‌شهر (نگارنده، ۱۳۹۶).

است. محوطه‌ی له‌لار توسط عباس مترجم و لیلی نیاکان، به مدت ۳ فصل کاوش شد که از نظر برخی ساختارهای معماری چون: تالار مرکزی با ستون‌های گرد و نیم‌گرد متصل به دیوار، به کارگیری ستون‌ها به سطح قاعده مدور و در مواردی مستطیل‌شکل مشابه بنای ساسانی روئه است. سنت استفاده از این شیوه‌ی ستون‌سازی در بناهای اواخر ساسانی، مانند تخت سلیمان، قصر شیرین نیز گزارش شده است (مترجم، ۱۳۹۴: ۲۰۷؛ نیاکان، ۱۳۹۴: ۱۹۱)، (تصویر ۱۵).

محوطه‌ی باستانی برزقواله: این محوطه در حاشیه‌ی چپ رودخانه‌ی سیمره در بخش کونانی، کوه‌دشت لرستان و در فاصله‌ی ۱۷ کیلومتری محوطه‌ی روئه قرار گرفته که توسط کامیار عبدی و آرش لشکری کاوش شده است. بقایای معماری این



تصویر ۱۵. نمایی از محوطه‌ی له‌لار، ورودی، طاچه و ستون گچی (مترجم، ۱۳۹۴: ۲۰۷؛ نیاکان، ۱۳۹۳). ◀

محوطه به صورت کوشک یا خانه‌ای اربابی بوده و قابل مقایسه با خانه‌ی اربابی دره‌شهر و قلاگوری است و از نظر نوع: پلان، تاق‌ها، تاقچه‌ها، ورودی‌ها و تزئینات وابسته به بنا از جمله گچ‌بری‌ها با بنای روئه در تنگه کافری قابل مقایسه است (عبدی، ۱۳۹۳: ۲۰)، (تصاویر ۱۶ و ۱۷).



تصویر ۱۶. دورنمایی از محوطه‌ی باستانی برزقواله (عبدی، ۱۳۹۳). ◀



تصویر ۱۷. نمایی از ستون، جرز و پوشش سقف در محوطه‌ی برزقواله (عبدی، ۱۳۹۳). ◀

محوطه‌ی باستانی قلاگوری: این محوطه در حاشیه‌ی رود سیمره در بخش کونانی کوه‌دشت لرستان و در فاصله‌ی ۱۶ کیلومتری محوطه‌ی ساسانی روئه قرار دارد. محوطه‌ی مذکور توسط عطا حسن‌پور طی ۳ فصل کاوش شد، بقایایی از معماری دوره‌ی ساسانی به دست آمد که از نظر ساختارهای معماری چون: ایوان ستون‌دار، تزئینات گچ‌بری، طاق و یافته‌های سفالی مشابه با بنای ساسانی روئه است (حسن‌پور، ۱۳۹۵: ۵۶-۵۳)، (تصاویر ۱۸ و ۱۹).



▲ تصویر ۱۸. چشم‌اندازی از محوطه‌ی قلاگوری (حسن‌پور، ۱۳۹۴).



تصویر ۱۹. نمایی از ورودی، پوشش سقف، جرز و ستون‌های به دست آمده در محوطه‌ی باستانی قلاگوری (حسن‌پور، ۱۳۹۴). ◀

نتیجه‌گیری

برآیندهای فرهنگی ناشی از تأثیر و تناسب موقعیت و اوضاع مساعد حوضه‌ی آبریز سیمره در بخش‌های گوناگون آن غالباً در شکل استقرارهای کوچک و بزرگ انسانی طی هزاره‌های پیشین نمود و ظهور یافته است. تنگ کافری بخشی از این حوضه‌ی آبریز و یکی از محدوده‌های مناسب برای پژوهش‌های باستان‌شناختی و شناسایی گونه‌ها، مراحل و بهره‌برداری‌های انسانی از یک موقعیت تغییرناپذیر طبیعی، به‌ویژه طی دوره‌های باستانی و تاریخی است. بررسی‌های عمومی و نمونه‌برداری‌های موضعی در ناحیه‌ی مورد بحث بر ارتباط یافته‌های سفالی و بقایای معماری متمرکز آثار بنایی شناسایی

شد که یادآور نقشه‌ی تالارهای ستون‌دار، استفاده از ایوان و رواق، توجه به تاق‌های قوسی شکل، تعبیه‌ی طاقچه‌ها و پایه‌ستون‌های سنگی در فضاهای سرپوشیده بود. چنین شواهدی در کنار پیوستگی‌های سازه‌ای و روابط، آغاز بررسی‌های تاریخی منسجم و پژوهش‌های باستان‌شناختی تحلیلی را در منطقه‌ی فرهنگی سیمره باعث شده است. تنگه کافری معبر و گذرگاهی است که به بین‌النهرین باستان، حوزه‌ی فرهنگی ایلام و دیگر محوطه‌های باستانی را در کرانه‌های سیمره، سیمره را به عنوان کریدور اصلی فرهنگ‌های در طی هزاران سال به یکدیگر مرتبط می‌کند. بنای ساسانی رونه که در مجاورت این گذرگاه راهبردی واقع شده است، با استفاده از مصالح و عناصر معماری بوم‌آورد چون: سنگ‌های رودخانه‌ای، ملات گچ نیم‌کوب و نیم‌پخت، دیوارها، سقف‌ها و تاق‌هایی را ساخته که نمونه‌ای از یک بنای شاخص در این حوزه‌ی فرهنگی است. این شیوه‌ی معماری ایرانی در دوره‌ی ساسانی را در فارس همچون: فیروزآباد، سروستان و ویژه در مناطق کوهستانی در نقاط مختلف ایران که سنگ به وفور در دسترس بوده، به عنوان مصالح بومی رواج داشته است. نمونه‌ی بناهایی از این دست که با لاشه‌سنگ و ملات گچ ساخته شده است در دامنه‌های زاگرس در اطراف ایلام و کرانه‌های سیمره، نظیر بناهای: برزقواله، قلعه‌گوری، له‌لار، دره‌شهر، و قلعه و آتشکده‌ی کلم و یا بقایای دیگر از بناهای دوره‌ی ساسانی در این حوزه‌ی فرهنگی تنگ چوبینه و تنگ شیخ‌مکان در مسیر جاده‌ی دره‌شهر به پل دختر و آثار بناهای ساسانی در تخت سلیمان واقع در شهرستان تکاب در آذربایجان غربی، و دیگر آثار معماری این دوره در مناطقی چون: فیروزآباد، بیشاپور، قصرشیرین و یا آتشکده‌های ساسانی در نقاط مختلف ایران اشاره داشت. ادامه‌ی این سنت در دیگر معماری ادوار بعد از آن نیز تا به امروز مشاهده شده است؛ از سوی دیگر این بنا دارای: تالارهای ستوندار، طاقچه‌های متعدد، تاق‌های هلالی، آهنگ، و گچ‌بری‌ها، حاکی از دو سبک معماری، اما مربوط به یک دوره‌ی ساسانی بوده است. شباهت‌های موجود بین مصالح به‌کاررفته در ساخت این بنا و جزئیات ساختاری آن مانند: درگاهی قوس‌دار، طاقچه‌های متقارن، مشابه نمونه‌های قلعه‌گوری، برزقواله، له‌لار و حتی دره‌شهر، بیانگر این شباهت‌ها از نظر سبک‌شناسی است؛ از دیگر سو، وجود گچ‌بری‌های شاخص که برخی عناصر اعتقادی ساسانی را به شکل کبوتر، خورشید و گلگ (رزت) به‌دست آمد، قابل مقایسه با نقوش گچ‌بری‌هایی از قلعه‌گوری، برزقواله و دره‌شهر است. سفال‌های به‌دست آمده از این محوطه مربوط به دوره‌ی ساسانی و مشابه سفال‌های محوطه‌هایی چون: برزقواله، قلعه‌گوری و له‌لار بوده، که می‌توان تعلق این بنا را به این دوره نسبت داد؛ و این نظریه را تقویت می‌کند که حوضه‌ی آبگیر سیمره در دوره‌ی ساسانی حیات فرهنگی پُرونقی داشته است. با توجه به فاصله‌ی نزدیک آن به پایتخت ساسانیان، چون تیسفون و قرارگیری محوطه‌ی مذکور در دل کوهستان‌های زاگرس، وجود امکانات دفاعی مناسب و محیطی خوش آب‌وهوا همچنین وجود آتشکده‌ی کلم در فاصله‌ای نزدیک آن و با در نظر گرفتن ساختارهای معماری برجای مانده از دوره‌ی ساسانی در تنگه کافری می‌توان این بنا را یک بنای حکومتی در کنار بناهای فاخر دیگری که در این محدوده‌ی جغرافیایی در حال کاوش است، در نظر گرفت و با توجه به موقعیت راهبردی تنگه کافری که مسیر آن را از حاشیه‌ی رود سیمره به دره‌شهر و سپس به لرستان مرتبط می‌کرد، شاید این بنا متعلق

به حاکم‌نشین محلی با یک قدرت منطقه‌ای کوچک تحت لوای ساسانیان در حوزه‌ی فرهنگی غرب بوده که علاوه‌بر کنترل جاده‌ی ارتباطی به‌عنوان گذرگاهی راهبردی از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار بوده و یا به‌عنوان پناهگاهی امن در مواقع خطر برای حاکمان محلی و اشراف‌زادگان ساسانی بوده است. ادامه‌ی کاوش‌های دامنه‌دار در این شهر بزرگ می‌تواند پاسخ‌گوی پرسش‌های بی‌شماری برای تعبیر و تفسیر و کاربری این ساختار معماری فاخر و باشکوه در این حوزه‌ی فرهنگی باشد.

سیاسگزار

از سرکار خانم دکتر چوبک ریاست وقت پژوهشکده‌ی باستان‌شناسی، مهندس شاه‌محمدپور از پژوهشکده‌ی ابنیه و بافت‌های تاریخی و مهندس نیازی از پژوهشکده‌ی حفاظت و مرمت آثار تاریخی- فرهنگی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری برای بازدید از محوطه و پیشنهادهای ارزشمندشان و درنهایت از دکتر فرشید مصدقی و اعضای هیأت کاوش تشکر و قدردانی می‌گردد.

کتابنامه

- استارک، فریا، ۱۳۶۴، الموت، لرستان و ایلام. ترجمه‌ی علی محمد ساکی، چاپ سوم، تهران: انتشارات علمی.
- ابن حوقل، محمد، ۱۳۴۵، صورة‌الارض. ترجمه و توضیح: جعفر شعار، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- اصطخری، ابوالسحاق ابراهیم، ۱۳۶۸، مسالک و ممالک. به‌کوشش: ایرج افشار، تهران، انتشارات علمی فرهنگی.
- ابن خردادبه، ابوالقاسم عبیدالله بن عبدالله، ۱۳۷۰، المسالک و الممالک. ترجمه‌ی حسین قره‌چانلو، تهران: بی‌نا.
- ابن فقیه، ابوبکر احمد بن محمد بن اسحاق همدانی، ۱۳۴۹، فتوح البلدان. ترجمه‌ی عبدالمحمد آیتی، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- ابوالفداء، عمادالدین اسماعیل بن علی، ۱۳۴۹، تقویم البلدان. ترجمه‌ی عبدالمحمد آیتی، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- اشمیت، اریک. ف، ۱۳۷۶، پرواز بر فراز شهرهای باستانی ایران. برگردان: آرمان شیشه‌گر، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه).
- ایرلندر، تئودور، ۱۳۷۹، رودخانه‌های زاگرس. ترجمه‌ی معصومه رجبی و احمد عباس‌نژاد، تبریز: انتشارات دانشگاه تبریز.
- بیوار، ا. د. د. ه.، ۱۳۷۳، تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان. جلد سوم، قسمت اول، ترجمه‌ی حسن انوشه، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- بزرگمهری، زهره، ۱۳۸۶، مصالح ساختمانی آژند، اندود، آمود در بناهای کهن ایران. تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه).
- بلاذری، احمد بن یحیی، ۱۳۶۴، فتوح البلدان. ترجمه‌ی آذرتاش آذرنوش، تهران: انتشارات سروش.
- پیرنیا، محمدکریم، ۱۳۸۳، سبک‌شناسی معماری ایرانی. جلد چهارم، تهران: نشر معمار.

- حسن پور، عطا؛ دلفان، فاطمه؛ و بیرانوند، الهام، ۱۳۹۵، «تحلیلی بر معماری مکشوف از نخستین فصل کاوش بنای قلاگوری»، فصلنامه‌ی علمی، فنی هنری اثر. شماره‌ی ۷۴، تهران: انتشارات پژوهشگاه میراث فرهنگی، صص: ۵۵-۳۸.
- دینوری، احمد بن داود، ۱۳۴۶، اخبار الطول. ترجمه‌ی صادق نشات، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- جزیره‌ای، محمدحسین؛ و ابراهیمی رستاقی، مرتضی، ۱۳۸۲، جنگل‌شناسی زاگرس. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- راولینسون، سر هنری، ۱۳۶۲، گذر از زهاب به خوزستان. ترجمه‌ی سکندر امان‌الهی بهاروند، تهران: انتشارات آگاه.
- زیدی، محسن، ۱۳۹۱، «بررسی باستان‌شناختی مهران و بلوک اناران در شهرستان دهلران، ایلام»، نامورنامه در پاسداشت دکتر مسعود آذرنوش، به‌کوشش: حمید فهیمی و کریم علیزاده، تهران: انتشارات ایران نگار، صص: ۱۶۸-۱۵۷.
- شهبازی، سیاوش، ۱۳۸۵، «گزارش فصل اول بررسی و شناسایی دره‌شهر». آرشيو اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان ایلام (منتشر نشده).
- علایی طالقانی، محمود، ۱۳۸۴، ژئومورفولوژی ایران. تهران: نشر قومس.
- قدامه بن جعفر، ۱۳۷۰، کتاب الخراج. ترجمه‌ی حسین قره‌چانلو، تهران: انتشارات البرز.
- کریمان، غلامرضا، ۱۳۹۲، «گزارش کاوش در محوطه‌ی برزقواله»، آرشيو پژوهشکده‌ی باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- کلینی، فرحناز؛ و دوستی‌ثانی، نرگس، ۱۳۹۵-۹۶، «گزارش طبقه‌بندی شیشه‌های تاریخی و باستانی ایران براساس ترکیب شیمیایی، نانوساختار، رنگدانه و رنگینه‌ها توسط طیف سنجی»، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، پژوهشکده‌ی حفاظت و مرمت آثار تاریخی فرهنگی.
- گذار، آندره، ۱۳۷۷، هنر ایران. ترجمه‌ی بهروز حبیبی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- لسترنج، گای، ۱۳۳۷، جغرافیایی تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی. ترجمه‌ی محمود عرفان، تهران: بنگاه نشر و ترجمه کتاب.
- لک‌پور، سیمین، ۱۳۸۹، کاوش و پژوهش‌های باستان‌شناسی دره‌شهر (سیمره). تهران: نشر پازینه.
- مترجم، عباس؛ و بختیاری، ذبیح‌اله، ۱۳۹۴، «اولین فصل از کاوش‌های باستان‌شناختی نجات‌بخشی محوطه‌ی برزه‌قلا (له‌لار) حوضه‌ی آبگیر سد سیمره»، پژوهش‌های باستان‌شناسی حوضه‌ی آبگیر سد سیمره. تهران: ناشر پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، صص: ۲۱۰-۲۰۰.
- مرادی، یوسف، ۱۳۹۱، «عمارت خسرو در پرتو نخستین فصل کاوش‌های باستان‌شناختی»، نامورنامه در پاسداشت دکتر مسعود آذرنوش، به‌کوشش: حمید فهیمی و کریم علیزاده، تهران: انتشارات ایران نگار، صص: ۳۳۳-۳۱۵.
- محمدی‌فر، یعقوب؛ نوروزی، آصف؛ شریفی، علی؛ و اقبال، حامد، ۱۳۹۴، «گزارش مقدماتی کاوش در تپه سرگنداب»، پژوهش‌های باستان‌شناسی حوضه‌ی آبگیر سد سیمره. به‌کوشش: لیلی نیاکان، تهران: انتشارات پژوهشگاه میراث فرهنگی، صص: ۲۷۹-۲۹۰.

- مستوفی، حمدالله، ۱۳۶۲، نزهةالقلوب. تصحیح: گای لسترنج، تهران: انتشارات دنیای کتاب.
- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین، ۱۳۴۹، التنبیه و الاشراف. ترجمه‌ی ابوقاسم پاینده، تهران: بنگاه نشر و ترجمه کتاب.
- مقدسی، ا.ع.م.ا، ۱۳۶۱، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم. ترجمه‌ی علی نقی منزوی، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
- مظاهری، خداکرم، ۱۳۹۳، «سفال دوره‌ی شیماشکی در دره‌ی سیمره براساس مطالعه‌ی موردی قلعه زنبیل و غارت مالگه»، مطالعات باستان‌شناسی، دوره‌ی ۶، شماره‌ی ۱، صص: ۱۴۸-۱۳۰.
- نیاکان، لیلی، ۱۳۹۴، پژوهش‌های باستان‌شناسی حوضه‌ی آبگیر سد سیمره. تهران: ناشر پژوهشگاه میراث‌فرهنگی و گردشگری، گزارش مقدماتی از کاوش‌های نجات‌بخشی در محوطه‌ی باستانی لار در حوضه‌ی آبگیر سد سیمره، صص: ۱۹۹-۱۸۷.
- نیاکان، لیلی، ۱۳۹۶، «گزارش کاوش‌های نجات‌بخشی در محوطه‌ی ساسانی کوشک روئه در تنگه کافری». تهران: آرشیوه پژوهش‌شکده‌ی باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- Demorgan, j., 1892, *Mission Scientifique en Perse, Recherches, Archaeologiques*. Vol. IV, Paris.
- Fisher, W. B., 1968, *Physical Geography*. In *The Cambridge History of Iran I: The Land of Iran*. Edited by W. Fisher, Cambridge.
- Hole, F. (ed), 1987, *The Archaeology of Western Iran. Settlement and Society from Prehistory to the Islamic Conquest*. Washington: Smithsonian Institution Press.
- Harrison, J. V & Falcon, N. L., 1938, "An Ancient Landslide at Saidmarreh in Southwestern Iran". *Journ. Geol* 46: 296-309.
- Reuther, O., 1938-1939, "Sasanian Architecture: A, History", In: A. U. Pope (ed.) *A Survey of Persian Art*, 15 vols. (Tehran, Soroush Press, Third-ed.) 2, 504-506 and 539-543
- McBurney, C. B. M., 1969, "Report On Further Excavation In the Caves Of The Kuh-I Dasht Area, Durin August 1969", *Bastan Chenassi*, N. 3: 8-12.
- McBurney, C. B. M., 1970, "Palolithic Excavation in the Zagros Area". *IRAN* 8. PP185-186.
- Meldgard, J.; Mortensen, P. & Thrane, H., 1964, "Excavations at Tepe Guran, Lurestan". *Acta Archaeological*, Vol. XXXV, PP 97-133
- Stein, S. A., 1969, *Old Roudes of western Iran*. London.
- Thrane, H., 1965, "Archaeological Investigation In Western Lurestan". *Acta Archaeological*, Vol XXXIV: 153-169.
- Oberlander, T. M., 1937, "The Zagros Streams, a new interpretation of transverse drainage in an orogenic zone, Syracuse Geographical Series 1". *The Geographical Journal*, Vol. 89, No. 1 (Jan., 1937), PP. 42-47, The Saidmarreh Landslip, south-west Iran, published by: Blackwell publishing on behalf of the Royal Geographical Society (wit the institute oh British Geographers.
- Vonder Bergh, L., 2005, "The Chronology of the Iron age in the Pusht-Kuh, Lorestan", *Iranian Antiqua*, Vol XI, 1-33, 2005.
- Vonder Bergh, L., 1973, Pusht Kuh, Lorestan". *Iran*, Vol XI, 207-209.